

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

مشک تر

(از خاطرات گذشته)

شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
بلی، لبی چو عقیق یمن بمن بنمود
بلی، لبی چو عقیق یمن بمن بنمود
نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
چو موج گل به نظر آمد و گذشت و نماند
چو موج گل به نظر آمد و گذشت و نماند
منش به هر قدم انداختم سری به نیاز
منش به هر قدم انداختم سری به نیاز
سریست بین من و یار، اگر سزم برود
سریست بین من و یار، اگر سزم برود
حکایت لب لعلش اگر ز من پرسی
حکایت لب لعلش اگر ز من پرسی
تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
رقیب گشته قریب نگار من، گوئی
رقیب گشته قریب نگار من، گوئی
نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
بیا وگر نه چنان از تو دور خواهم رفت
بیا وگر نه چنان از تو دور خواهم رفت

بنازم آن پدري را كه چون تواش پسر است خوش آن پسر كه برد فيض آنچنان پدري

به شُكر نعمت يك خنده، شُكر افشاندی

«اسير» اين سخنت نيست كمتر از شكري

(شهر نازنين كابل - قوس ۱۳۳۷ ش)